۱۷ کشته در سقوط هواپیما

هواپیمای مسافربری در جمهوری دمکراتیک کنگو، هنگام برخاستن از باند فرودگاه سقوط کرد . در این حادثه سرنشینان هواپیما کشته شدند.

به گزارش ایرنا به نقل از سازمان حوادث غیرمترقبه کشورکنگو، این هواپیما متعلق به شرکت بیزی بیی ازشـــهر گوما عازم شـــهر بنیی بود که هنگام بلند شدن از باند فرودگاه دچار حادثه شد.گزارش هاحاکی اســـت که همه سرنشینان آن فوت کرده اند. کارلی انزانزو،استاندار استان کیووی شمالی این کشور در جمع خبرنگاران محلی گفت : اگرچه این هواپیما در منطقه مســـکونی نزدیک فرودگاه گوما سقوط کرد اما هنوز از آمار کشته های دقیق آن هیچ اطلاعی دردســـت نیست وفعلا اعلام شده ۱۷ نفرکشته شده اند. تحقیقات برای مشخص شدن علت این حادثه مرگبار ازسوی تیم تحقیق ادامه دارد. هنوزهویت قربانیان مشـــخص نشده است. امدادگران درمحل سقوط هواپیما حاضر شـــدندو در تلاش هستند تا اجســـاد قربانیان کشف کنند و تحویل خانواده هایشان دهند.

پسر نوجوان و آقا معلم، زن جوان و ۲ فرزندش را در خواب کشتند

بخشش قاتل هووی مادر

محمد غمخوار
حوادث

پسر نوجوان که با همدستی معلمش، سناریوی قتل هووی مادرش و دو فرزند او را اجرا کرده بود با گذشت اولیای دم زن جوان از قصاص نجات پیدا کرد. این در حالی است که حکم قصاص آقا معلم به اتهام قتل دو کودك تایید شده و او در یك قدمی چوبه دار قرار دارد.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۰ و به دنبال گزارش مرگ مشکوك زنی جوان و دو فرزندش در یکی از شهرهای استان گلستان آغاز شد. تیمی از ماموران همراه بازپرس جنایی در محل حاضر شده و در تحقیقات مقدماتی متوجه شدند مرد صاحبخانه دو همسر دارد که همسر اولش در طبقه بالا زندگی می‌کرد و زن جوان و دو فرزندش در طبقه اول بودند. با توجه به مشکوك بودن مرگ مادر و دو فرزندش اجساد به پزشکی قانونی منتقل شد و کارشناسان بعد از معاینات تخصصی اعلام کردند زن جوان و دو فرزندش ابتدا مسموم شده و بعد خفه شده‌اند. با این گزارش، پرونده رنگ و بوی قتل به خود گرفت و کارآگاهان متوجه شدند مقتول و هوویش با هم اختلاف قدیمی دارند و احتمال قتل به دست او مطرح شد. زن میانسال در بازجویی‌ها منکر قتل شد و گفت: با هوویم اختلاف و درگیری داشتم، اما این اختلاف در حدی نبود که بخواهم این جنایت هولناك را مرتکب شوم.

تیم جنایی در ادامه به پسر ۱۶ ساله این زن مشکوك شدند و به بازجویی از او پرداختند که او لب به اعتراف گشود و به ارتکاب این جنایت تحت تاثیر حرف‌های مادرش و با کمك معلمش اعتراف کرد. پسر نوجوان در جریان تحقیقات گفت: مادرم و هوویش با هم اختلاف داشتند و زن جوان را مقصر ازدواج دوم پدرم می‌دانست. حرف‌های مادرم باعث شد نقشه قتل این زن و فرزندانش را طراحی کنیم. موضوع را با معلمم درمیان گذاشتم و قرار شد او به ما کمك کند. شب جنایت مقداری قرص خواب‌آور داخل دوغ حل کرده و به طبقه پایین فرستادیم. وقتی مطمئن شدیم آنها دوغ را خورده و بیهوش شده‌اند، برای اجرای نقشه پایین رفته و من هووی مادرم را کشتم و معلمم هم دو فرزندش را کشت. پس از این اعترافات، متهم دیگر پرونده هم دستگیر شد و در تحقیقات به همدستی در این قتل اعتراف کرد. در جلسه محاکمه اولیای دم درخواست قصاص قاتلان را مطرح کردند و پسر نوجوان به یك بار قصاص و معلمش به دو بار قصاص محکوم شد.

رئیس شوراهای حل اختلاف گلستان در این باره به جام جم گفت: با گذشت پنج سال از قتل متوجه ندامت پسر خانواده از ارتکاب قتل شده و تلاش‌ها برای جلب رضایت اولیای دم را آغاز کردیم. اولیای دم زن جوان در شهرستان خاش زندگی می‌کردند و گروهی به سرپرستی عرفانی، عضو اصلی شعبه ویژه صلح و سازش زندان مرکزی گرگان راهی این شهر شدند. اولیای دم در ابتدا حاضر به گفت و گو نشدند که با وساطت ریش سفیدان و امام جمعه جلسه برگزار شد که در آن همچنان بر قصاص تاکید داشتند.

احمد جعفری ادامه داد: تلاش‌ها ادامه داشت تا این‌که سه ماه قبل از قصاص گذشت کرده و یك میلیارد تومان دیه برای بخشش خواستند. خانواده قاتل توان پرداخت این مبلغ را نداشتند و این بار اولیای دم را به گرگان دعوت کرده و بعد از صحبت با آنها، سرانجام مبلغ درخواستی را کاهش دادند و با پرداخت دیه توسط خانواده قاتل رضایت آنها کسب شد.

وی درباره دومین متهم پرونده هم گفت: پدر دو کودك به عنوان ولی دم برای او قصاص خواسته و هنوز راضی به بخشش او نشده است. متهم مدعی است با وعده تطمیع از سوی دیگر متهمان پرونده مرتکب این دو قتل شده بود.

پسر جوان ۸ سال پس از قتل هووی مادرش با تلاش اعضای شعبه ویژه صلح و سازش زندان مرکزی گرگان از مجازات قصاص نجات پیدا کرد

سرقت گردنبند موروثی برای انتقام از خاله

مرد جوان به قصد انتقامگیری خانوادگی با همدستی مرد همسایه به خانه خاله ۸۰ ساله‌اش رفت و با مصدوم کردن او گردنبند قیمتی‌اش را به سرقت برد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، نیمه تابستان امسال زن ۸۰ ساله‌ای با حضور در شعبه پنجم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران از دو مرد به اتهام سرقت مقرون به آزار و دزدیدن گردنبند موروثی‌اش شکایت کرد. همزمان با دستور بازپرس علی ایردموسی، تحقیقات پلیس آگاهی پایتخت برای دستگیری سارقان فراری آغاز شد. زن سالخورده در جریان تحقیقات پلیسی گفت: فرزندانم خارج از کشور هستند و در این خانه ویلایی تنها زندگی می‌کنم. دو روز پیش مردی به عنوان مامور اداره گاز به خانه‌ام در غرب تهران آمد. روز بعد او دوباره آمد و از من آب گرفت و برای دوستش به خیابان برد. رفتم آشپزخانه که ناگهان فردی از پشت سر به من حمله‌ور شد و مرا مصدوم کرد. کف آشپزخانه که افتادم او گردنبند طلای قیمتی‌ام را سرقت کرد. صدای دو مرد را شنیدم که یکی از آنها همان مامور اداره گاز بود.

ماموران به استعلام از اداره گاز پرداختند که معلوم شد فردی که به خانه شاکی رفته عنوان مامور اداره گاز را جعل کرده است. ماموران دوربین‌های مداربسته اطراف خانه را بازبینی و تصویر خودروی رانایی را به دست آوردند که دزدان با آن متواری شده بودند.

با ردیابی خودرو، هویت مالك آن به نام شهاب شناسایی شد. شاکی زمانی که چهره شهاب را دید، اعلام کرد تصویر متعلق به خواهرزاده‌اش است. ماموران قصد بازداشت او به عنوان یکی از همان سارقان فراری را داشتند که معلوم شد او برای فروش خودرو و کارهای آن به تعویض پلاك خورو رفته که متهم ۳۴ ساله در آنجا شناسایی و بازداشت شد. او در تحقیقات پلیسی گفت با همدستی همسایه ۳۳ ساله‌اش به نام فرهاد این سرقت را انجام داده‌اند.

شهاب در جریان تحقیقات پلیسی گفت: ده سال قبل ازدواج کردم، اما سه سال پیش به خاطر اختلاف‌های خانوادگی جدا شدیم. ورشکسته شده و کارگاه بسته‌بندی کاغذم را از دست دادم. به دخترخاله‌ام علاقه داشتم، اما خاله‌ام مخالف ازدواجمان شد و او به اروپا و نزد دیگر اعضای خانواده‌اش برای زندگی رفت. از آن موقع از خاله‌ام کینه داشتم. چندی قبل با زنی آشنا شدم و با او ازدواج کردم. برای انتقام از خاله‌ام نقشه سرقت از او را طراحی کردم. موضوع را به همسایه‌مان گفتم که قبول کرد و با من همراه شد. او به عنوان مامور گاز آنجا رفت و چون نتوانست نقشه را اجرا کند خودم وارد خانه شدم و با حمله به خاله‌ام گردنبند قیمتی طلایش را دزدیدم. گردنبند قیمتی را ۲۰ میلیون فروختم و از این پول یك میلیون و ۷۰۰ هزار تومان را به همسایه‌مان دادم. هدفم فقط انتقام بود.

با اعتراف وی دیگر متهم پرونده هم بازداشت شد و در تحقیقات پلیسی گفت: عمده‌فروش پوشاك بودم. یك فرزند از همسر اولم و فرزند دیگری از همسر دومم دارم. سال ۹۴ بابت پرداخت مهریه ۳۷۰ میلیون تومانی به همسر اولم مغازه‌ام را فروختم و راننده شدم. وقتی همسایه‌ام موضوع سرقت را گفت، با او همراه شدم.

متهمان برای ادامه تحقیقات روانه بازداشتگاه پلیس شدند.

هدیه به «اجنه» برای بخت‌گشایی

زن رمال که به بهانه بخت‌گشایی از طعمه‌هایش طلا می‌گرفت تا به اجنه بدهد، با شکایت سه زن دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، اول خرداد امسال زنی با مراجعه به کلانتری شهرك ولیعصر اظهار کرد؛ زن میانسالی با مراجعه به مغازه من سراغ یکی از همسایه‌ها را گرفت و وقتی علت حضورش را پرسیدم گفت رمال است و برای بخت‌گشایی آمده است. کنجکاو شدم تا نحوه کارش را ببینم و از او خواستم به خانه مانیز بیاید. او هم پذیرفت و در خانه‌مان مشغول کار شد. بعد از چند دقیقه صدایی شنیدیم و او گفت اجنه برای ادامه فرآیند بخت گشایی طلا می‌خواهند و اگر طلا در خانه داری بیاور و من هم که باورم شده بود ادعاهایش درست است چند قطعه طلا برایش آوردم و او هم پس از اتمام کار طلاها را همراه خودش برد. بعد از رفتن او، متوجه شدم فریبم داده و به این شیوه از من کلاهبرداری کرده است.

با ثبت شکایت اولیه در کلانتری پرونده برای رسیدگی تخصصی در اختیار کارآگاهان پایگاه پنجم پلیس آگاهی قرار گرفت . در همان گام‌های نخست تحقیقات دو نفر دیگر نیز با مراجعه به پایگاه پنجم شکایات مشابهی را مطرح کردند و دستگیری زن کلاهبردار در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت.

با اقدامات پلیسی و تحقیقات میدانی مشخص شد متهم زنی ۴۸ ساله، بیسواد و ساکن شهرستان‌های شمال غربی است. محل سکونت این زن شناسایی و متهم همراه همسرش دستگیر و به تهران منتقل شد.

متهم در تشریح شیوه و شگرد خود در کلاهبرداری‌ها گفت: هر چند وقت یك بار به تهران می‌آیم و با چرب‌زبانی اعتماد افراد را برای رمالی جلب می‌کنم. طوری وانمود می‌کردم که اجنه بختشان را بسته‌اند و برای بخت‌گشایی باید به اجنه طلا بدهند. آنها هم فریبم را خورده و طلاهایشان را به من می‌دادند.

رئیس پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ در این باره گفت: تاکنون سه نفر از این زن شکایت کرده‌اند و ارزش ریالی طلاهایی که او از مالباختگان دریافت کرده ۳۰۰ میلیون تومان است.

پرداخت دیه به خاطر قتل رقیب عشقی

مرد میانسال وقتی متوجه شد که همسر سابقش ازدواج کرده، با همسر جدید او درگیر شد و او را به قتل رساند. با درخواست اولیای دم متهم به پرداخت دیه محکوم شد. پرونده با درخواست اعسار از پرداخت دیه دیروز دوباره در دادگاه رسیدگی شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، ۳۰ مهر ۹۲، ماموران پلیس در جریان درگیری منجر به قتل در بومهن قرار گرفتند. یکی از شاهدان ماجرا در توضیح ماجرا به پلیس گفته بود: «صابر در خیابان محل زندگی ما در یك کارگاه چوب‌بری کار می‌کند. امروز وقتی داشتم به سمت خانه می‌رفتم از انتهای خیابان دیدم که یك فرد ناشناس به صابر حمله کرد و چند ضربه چاقو به او زد و فرار کرد. همه چیز در چند ثانیه رخ داد و وقتی بالای سر صابر رفتم او تمام کرده بود.»

رسیدگی به پرونده با تحقیق از خانواده صابر آغاز شد و آنها اعلام کردند که صابر با کسی خصومتی نداشته. در ادامه تحقیقات ماموران با ردیابی تماس‌های صابر متوجه ارتباط او با زن جوانی شدند. آن زن که سمیه نام داشت به اداره پلیس احضار شد و به ماموران گفت: «چند ماه قبل به عقد موقت صابر درآمدم. همسر سابق من که دو سال قبل از هم جدا شدیم، از زمانی که فهمید من دوباره ازدواج کرده‌ام، مزاحمم می‌شد و حالا هم احتمال می‌دهم قتل صابر کار او باشد.» همسر سابق سمیه که همایون نام دارد، بازداشت شد و به قتل صابر اعتراف کرد. او گفت: «سمیه را دوست داشتم و دلم می‌خواست او را راضی کنم که با هم زندگی کنیم. وقتی فهمیدم او ازدواج کرده، از همسرش کینه به دل گرفتم و نقشه قتل را کشیدم. برای همین او را در جای خلوتی گیر انداختم و با ضربات چاقو از پای درآوردمش.»

با اعتراف صریح متهم، سه دختر نوجوان صابر از او اعلام شکایت کردند. اولیای دم در دادگاه تقاضای دیه کردند و متهم به پرداخت دیه محکوم شد، اما چندی بعد مدعی شد که نمی‌تواند دیه را یك جا پرداخت کند و درخواست کرد پرداخت دیه قسطی شود. دیروز به این درخواست در شعبه دهم دادگاه کیفری یك استان تهران رسیدگی شد.

دختر بزرگ مقتول که ۲۰ سال دارد در ابتدای جلسه دادگاه گفت: «پدرم یك کارگر ساده بود و بیمه و پس‌اندازی نداشت. حالا زندگی برای ما سخت است و تنها درآمد ما یارانه است.»

شهودی که شاکی به دادگاه معرفی کردند نیز اعلام کردند متهم در بومهن دارای ملك و مغازه است و ارزش آن بیش از مقدار دیه هم هست.

دادگاه در پایان، دادخواست اعسار شاکی را رد کرد و قاتل باید دیه را به اولیای دم پرداخت کند.

مرد میانسال که شوهر همسر سابق خود را به قتل رسانده بود بعد از بخشش اولیای دم به پرداخت دیه محکوم شد

مرگ کارگر در آتش لاستیک‌فروشی

آتش‌سوزی یک مغازه لاستیک فروشی در خیابان ستارخان مرگ کارگر ۲۰ ساله ای را رقم زد.

به گزارش خبرنگارجنایی جام جم، ساعت چهار بامداد یکشنبه سوم آذر امسال یکی از ماموران کلانتری کوی نصر با رحیم دشتبان، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران، تماس گرفت و خبرداد که مغازه لاستیک فروشی در خیابان افضل ستارخان آتش گرفته و در این حادثه کارگر ۲۰ ساله‌ای فوت شده است. در ادامه ماموران با حضور در محل، مشاهده کردند، یک مغازه ۲۵ متری پر از لاستیک آتش گرفته که با حضور آتش‌نشانان شعله‌های آتش خاموش شده است. اما در این حادثه کارگر جوان در میان شعله‌های آتش گیر افتاده و به دلیل شدت سوختگی فوت کرده است. این در حالی بود که بررسی اولیه آتش‌نشانان حاضر در این مغازه نشان می‌داد که اتصال سیم برق باعث این آتش‌سوزی مرگبار شده است.

پسر جوان در جلسه دادگاه ضاربش را بخشید

گذشت از قصاص چشم

پسر جوان که در جریان درگیری خیابانی با ضربه چاقوی پسر ۱۵ ساله نابینا شده بود، وقتی دادگاه حکم به قصاص چشم صادر کرد، ضارب را بخشید.

به گزارش خبرنگار جام جم، پاییز ۹۲، گزارش یك نزاع دسته جمعی در شهر اندیشه در غرب استان تهران روی میز ماموران پلیس قرار گرفت. شاکی پرونده در طرح شکایت خود به ماموران گفت: «از چند وقت پیش به خاطر یك موضوع ناموسی با یکی از دوستانم درگیری داشتم. روز حادثه باز هم با هم درگیر شدیم و دیدم که او به یکی دیگر از دوستان مشترکمان به نام میلاد زنگ زد و از او خواست برای دعوا به کمکش بیاید. میلاد از ما پنج سال کوچك‌تر است. او خیلی سریع خودش را به محل رساند و با من گلاویز شد و یکدفعه چاقویی از جیبش درآورد و به صورت من کوبید. بعد از انتقال به بیمارستان پزشکان تشخیص دادند که چشم من باید تخلیه شود.»

به دنبال شکایت پسر جوان، میلاد تحت تعقیب قرار گرفت، اما خانواده‌اش اعلام کردند که او متواری شده است. متهم یك سال بعد از ماجرا خودش را به ماموران معرفی کرد. پرونده در جریان رسیدگی قرار گرفت و با اعتراف میلاد به وارد کردن ضربه، در اولین رسیدگی رای الزام به پرداخت دیه صادر شد. اما شاکی به آن اعتراض کرد و روز گذشته پرونده بار دیگر در شعبه چهارم دادگاه کیفری یك استان تهران رسیدگی شد.

در ابتدای جلسه رسیدگی شاکی گفت: «میلاد من را اول جوانی نابینا کرده و من تقاضای قصاص عضو دارم.»

متهم در دفاع از خود گفت: «اتهامم را قبول دارم، اما پشیمانم. من فقط ۱۵ سال داشتم که به کانون رفتم. آنجا دچار مشکل روحی شدم و پرونده بیماری اعصاب و روان دارم. بعد با قرار وثیقه آزاد شدم، اما چون باز در محل با افراد درگیر می‌شدم، خانواده‌ام وثیقه را برداشتند و باز زندانی شدم. بعد از من برادرم هم به اتهام زورگیری به زندان افتاد. پدرم هم به اتهام حمل پنج کیلو شیشه به اعدام محکوم شده است. از دادگاه تقاضای تخفیف در مجازات دارم تا لااقل بتوانم در کنار مادر و برادر کوچك‌ترم باشم.»

دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهم حکم قصاص چشم او را صادر کرد. بعد از اتمام جلسه دادرسی، مادر میلاد در راهروی دادگاه کیفری سراغ خانواده شاکی رفت و از آنها خواست به خاطر شرایط روحی میلاد او را ببخشند. التماس مادر میلاد باعث شد شاکی رضایت خود را اعلام کند.

تلنگر

سرقت طلای بیماران با آمپول دیازپام

تزریقاتی زن با بیهوش کردن بیماران درمانگاه، طلاهای آنها را سرقت می‌کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، ۳۱ شهریور امسال زنی با حضور در کلانتری ابوذر تهران به خاطر سرقت انگشترش شکایت کرد و گفت: برای تزریق سرم به درمانگاه رفتم که بعد از تزریق بیهوش شدم و ساعاتی بعدکه به هوش آمدم انگشترم سرقت شده بود.

پس از این شکایت، پرونده برای ادامه تحقیقات به اداره پنجم پلیس آگاهی تهران ارسال شد. این در حالی بود که شاکی دیگری به پلیس آگاهی آمد و گفت: از همدان به تهران سفر کرده و مهمان خانه مادرم بودم. روز حادثه می‌خواستم به شهرمان بازگردم که دچار حالت تهوع شدید شده و برای درمان به درمانگاه رفتم. در آنجا پزشك متخصص تشخیص داد که نیاز به تزریق سرم دارم. بعد از تزریق سرم بیهوش شدم، وقتی به هوش آمدم، متوجه سرقت انگشتر، پلاك و گوشواره‌ام شدم.

تحقیقات پلیسی ادامه داشت تا این‌که خانم دیگری نیز با حضور در پلیس آگاهی شکایت کرد که زمانی که آمپول به من تزریق شد بیهوش شدم، اما چون تاثیر دارو زیاد نبود به هوش آمدم، دیدم خانمی که تزریق را انجام داده بود با قیچی در حال بریدن النگوهایم است.

با افزایش شکایت‌ها ماموران اطمینان یافتند سارق کسی نیست جز همان دختری که کارمند درمانگاه است. ماموران به آنجا اعزام شدند و سارق ۲۴ ساله پیش از آن‌که فرصتی برای فرار پیدا کند، بازداشت شد. دختر سارق در جریان تحقیقات پلیسی گفت: در درمانگاه قبلی به خاطر سرقتی که انجام دادم اخراج شدم. مدتی است در این درمانگاه جدید مشغول به کار شده ام. این بار با تزریق آمپول با دوزهای بالا خانم‌های مراجعه‌کننده را بیهوش کرده و در فرصتی مناسب طلاهایشان را سرقت می‌کردم.

بازداشت عاملان انفجار مرگبار خودروی سراتو

عاملان انفجار خودروی سراتو و قتل جوان گرگانی در بلوار گلشهر شناسایی و بازداشت شدند.

سردار روح‌الامین قاسمی، فرمانده انتظامی استان گلستان به ایسنا گفت: تیر امسال خودروی سراتویی در یکی از خیابان‌های شهرستان گرگان منفجر و راننده آن فوت شد. همزمان با مشکوك بودن این ماجرا تحقیقات پلیسی در این باره آغاز شد. با توجه به شدت حادثه و تخریب خودرو، امکان شناسایی عامل انفجار غیرممکن بود.

وی افزود: در جریان تحقیقات پلیسی معلوم شد که انفجار عمدی بوده و عاملان این انفجار مرگبار تحت تعقیب قرار گرفتند تا این‌که ردپای دو نفردر این باره به دست آمد و با گذشت شش ماه از این ماجرا دو متهم پرونده بازداشت شدند. متهمان در تحقیقات اولیه پلیس به انفجار خودرو و قتل مرد جوان به انگیزه مشکلات شخصی و طمع مالی اعتراف کردند.

نجات گربه بازیگوش در ایستگاه مترو

گربه بازیگوش با ورود به ایستگاه متروی شهید مفتح پیش از آن‌که با قطاربرخورد کند نجات یافت .

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، ساعت ۲۱ شامگاه شنبه دوم آذر امسال، در ایستگاه مترو شهید مفتح تهران یك گربه بازیگوش توجه مسافران را به خود جلب کرد. در حالی که این گربه به داخل ایستگاه و خطوط ترددی قطارها وارد شده بود، یکی از مسافران از مامور ایستگاه مترو خواست تا این حیوان را نجات دهند، چرا که هر لحظه ممکن بود با قطار برخورد کند. با حضور مامور ایستگاه به کنار خط مترو و با غذا دادن به این حیوان، وی موفق شد تا این گربه را در آغوش بگیرد و از ایستگاه مترو به بیرون منتقل کند.